

شاخص‌های سنجش عملکرد قدرت نرم حکومت‌ها در مدیریت سیاسی فضا (از دیدگاه جغرافیای سیاسی)^۱

عهديه آتشی^۲، محمدرضا حافظ نیا^۳، ابراهیم رومینا^۴، علی اصغر پورعزت^۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۶

چکیده:

سطح تأثیرگذاری عملکرد قدرت نرم یک سیستم کلان سیاسی، بر مدیریت سیاسی فضاهای جغرافیایی آن امری انکارناپذیر است؛ چرا که قدرت نرم یک سیستم سیاسی (حکومت) به عنوان سیستم عامل و مغز اداره فضای سرزمینی یک کشور، تأثیرپذیری مستقیمی از اهداف، اجزا و نحوه عملکرد سیستم دارد. از جمله مهم‌ترین این کارکردها، اعمال نرم افزارانه قدرت بر فضای جغرافیایی تحت حاکمیت خود است. از این رو، قدرت نرم حکومت‌ها، متأثر از عملکرد آنهاست. لذا، پاسخگویی به این مسئله که معیارها و شاخص‌های سنجش عملکرد حکومت‌ها در اعمال نرم افزارانه قدرت بر فضای جغرافیایی خود کدامند؟ هدف اصلی تدوین این مقاله است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و گردآوری داده‌ها با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است. به این منظور ابتدا مؤلفه‌های نظریه قدرت نرم جوزف نای، استخراج و سپس از میان نظریه‌ها و دیدگاه‌های متعدد در رشته‌های مختلف علوم انسانی شاخص‌های سنجش عملکرد حکومت با رویکرد قدرت نرم، نیز شناسایی شدند. طبق نتایج، ۱۵۶ شاخص استخراج شد که از این تعداد، ۸۲ شاخص بیشترین فراوانی و تأکید را در نظریات مختلف داشتند. در نهایت، این ۸۲ شاخص در یک الگوی نظری و تحت ۷ مؤلفه اصلی قرار داده شدند که پایه و اساس عملکرد قدرت نرم یک حکومت در مدیریت سیاسی فضای جغرافیایی تحت حاکمیت آن را شکل می‌دهند.

واژگان اصلی: سنجش عملکرد، قدرت نرم حکومت/دولت، مدیریت سیاسی فضا (کشورداری)، جغرافیای سیاسی.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری در رشته جغرافیای سیاسی با عنوان «ارائه مدل نظری شاخص‌های سنجش عملکرد حکومتها در مدیریت سیاسی فضا» در دانشگاه تربیت مدرس انجام شده است.
۲. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۳. استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول) hafezn_m@modares.ac.ir
۴. دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۵. استاد مدیریت دولتی دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

استفاده از شاخصه‌های قدرت نرم به منظور نشان دادن مشروعیت سیاست‌ها و خط‌مشی حکومت‌ها را می‌توان چهره‌ای جدید از قدرت قلمداد کرد که دربرگیرنده مؤلفه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... است. در این میان کیفیت مدیریت سیاسی فضای سرزمینی یک کشور، رابطه مستقیمی با اعمال و بکارگیری شاخص‌های قدرت نرم در سیاست داخلی دارد. مدیریت سیاسی فضا عبارت است از: «اداره سیاسی فضا برای دستیابی به اهداف، با دیدگاه راهبردی و با در نظر گرفتن محدودیت‌های طبیعی، انسانی و اقتصادی در فضاهای جغرافیایی» (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۹۲: ۳). مدیریت سیاسی فضا یک امر کلی، جامع و مانع در خصوص چگونگی مدیریت کلان سیاسی - اجرایی نظام‌های سیاسی است و از سه جزء مدیریت، سیاست و فضا تشکیل شده است. مدیریت در اینجا به معنی فرایند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و هدایت و کنترل، برای دستیابی به اهداف سازمانی (حکومت) براساس نظام ارزشی پذیرفته شده است (جان‌پرور و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۰۱). حافظ‌نیا سطوح عملکردی مدیریت سیاسی فضا را در شش سطح، جهانی، منطقه‌ای، ملی، استانی، ناحیه‌ای و محلی تقسیم می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۲: ۱). در این مقاله، مطالعه شاخص‌های سنجش قدرت نرم حکومت‌ها در مدیریت سیاسی فضا در سطح ملی (کشوری) مورد نظر است که توسط حکومت ملی و در قالب نظام رسمی حاکم بر هر کشور اعمال می‌شود و می‌توان آن را کشورداری نامید.

نقش قدرت نرم حکومت‌ها در مدیریت سیاسی فضا، به مثابه یک برنامه زیرساختی و بستری است که از مجموعه‌ای از نرم‌افزارها، خط‌مشی‌ها و بخش‌های مختلف عملکردی تشکیل شده تا در ارتباط با هم الگوهای منظمی از فرایندها و نتایج را شکل دهند که در نهایت منجر به ارتقای عملکرد مدیریت سیاسی فضای حاکمیتی یک کشور شود. در این میان، عوامل مختلفی وجود دارند که عملکرد قدرت نرم حکومت را تحت تأثیر قرار می‌دهند که شامل ۱- تأثیر نظام سیاسی و نهادهای تصمیم‌گیر سیاسی (شامل مستندات سیاسی، حکومت، بازیگران سیاسی و نوع رژیم سیاسی)؛ ۲. اندیشه و ایدئولوژی سیاسی حاکم بر کشور؛ ۳. ویژگی‌های جغرافیایی؛ ۴. ویژگی‌های ژئوپلیتیکی؛ ۵. نظام اجتماعی؛ ۶. نظام اقتصادی؛ ۷. نظام اداری؛ ۸. نظام فرهنگی؛ ۹. تأثیر نظام بین‌المللی است (کاوندی کاتب، ۱۳۹۷: ۲۴-۲۵).

لذا، سنجش و ارزیابی عملکرد یک حکومت در استفاده از قدرت نرم خود برای مدیریت هر چه بهتر فضای سیاسی - جغرافیایی، از اقدامات حیاتی برای اداره امور کشور است. ارزیابی، به رهبران

سیستم، این بازخورد را می‌دهد که آیا در بکارگیری نرم افزارانه ابزارهای قدرت خود، به جلو می‌روند یا درجا می‌زنند و یا راه بازگشت می‌پویند. باید دانست تا زمانی که اطلاعاتی از وضع موجود و خطاهای آن، وجود نداشته باشد، نمی‌توان برای ترسیم آینده مطلوب اقدام کرد. این‌گونه اطلاعات، از طریق ارزیابی عملکرد به دست می‌آیند. «سنجش و ارزیابی عملکرد» میزان توفیق یا شکست یک سازمان را نشان می‌دهد (ایمانی جاجرمی و فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۹۲). نیلی، یکی از شناخته شده‌ترین صاحب نظران حوزه سنجش عملکرد، معتقد است: «سنجش عملکرد عبارت است از فرآیندی دائمی که طی آن میزان تحقق اهداف اندازه‌گیری می‌شود» (نلی و دیگران، ۲۰۰۲: ۷). لذا سنجش عملکرد قدرت نرم برای اندازه‌گیری، مقایسه و ارزیابی کارکرد و بازده یک واحد اعم از سازمان یا طرح و برای تعیین میزان موفقیت آن انجام می‌شود. به طور معمول برای سنجش عملکرد مجموعه‌ای از معیارها و شاخص‌ها به کار گرفته می‌شود (صندوق جهانی، ۲۰۰۳: ۴۵۲).

اگر حکومت را به مثابه یک سازمان در نظر بگیریم، سطح تحقق اهداف و آرمان‌ها، قوانین و مقررات، اسناد بالادستی، دستیابی به عدالت فضایی و در مجموع سطح تحقق شاخص‌های قدرت نرم این سازمان، سطح موفقیت آن در مدیریت سیاسی فضا را نشان می‌دهد. سنجش و ارزیابی عملکرد قدرت نرم حکومت، در بعد چگونگی استفاده از منابع و امکانات در قالب شاخص‌های کارایی بیان می‌شود. اگر نسبت داده به ستاده را کارایی بدانیم، نظام ارزیابی عملکرد، در واقع میزان کارایی تصمیمات مدیران در خصوص استفاده بهینه از منابع و امکانات را مورد سنجش قرار می‌دهد (تولایی، ۱۳۸۶: ۱۳). سنجش عملکرد [قدرت نرم حکومت] را می‌توان با توجه به دو اصل «کارایی» و «اثربخشی» صورت داد که سنجش کارایی با توجه عینیت داده‌ها و در دسترس بودن آن‌ها معمولاً به سهولت قابل انجام است؛ اما سنجش اثربخشی به سبب تغییر رویکرد به موضوعات کیفی کار ساده‌ای نیست و نیازمند انجام اقدامات پیچیده و توجه به دیدگاه مشتریان یا شهروندان است (ایمانی جاجرمی و فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۹۲). بنابراین ارتقای سطح عملکردی حکومت در بکارگیری منابع و ابزارهای قدرت نرم، رابطه مستقیمی با ارتقای سطح کشورداری آن دارد.

۱. اهداف و پرسش‌های پژوهش

پاسخگویی به این نکته که اعمال نرم افزارانه قدرت حکومت‌ها بر فضای جغرافیایی خود را چگونه و براساس چه معیارها و شاخص‌هایی می‌توان سنجید، مسئله و هدف اصلی تدوین این مقاله

است. شاخص هایی که بتوان به همه حکومت‌ها فارغ از اشکال متفاوت آن‌ها در سطح جهان تعمیم داد و میزان کارآمدی و اثربخشی آن‌ها را در ارتقای قدرت نرم حاکمیت و به دنبال آن افزایش کارایی حکومت در کشورداری را سنجید.

۲. پیشینه پژوهش

رفیعی قهسازه در مقاله «الگوها و شاخص های سنجش و ارزیابی کارایی قدرت نرم کشورها» (۱۳۹۷) می‌کوشد به موضوع سنجش پذیری یا سنجش ناپذیری قدرت نرم بپردازد و دیدگاه‌های مختلفی را که در این زمینه وجود دارد بررسی نماید. قهسازه ضمن معرفی مفهوم قدرت نرم و بررسی دیدگاه‌های گوناگون، الگوها و شاخص‌هایی که برای سنجش قدرت نرم دولت‌ها در روابط بین‌الملل ارائه شده‌اند را مورد کنکاش و بررسی قرار داده است و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که شاخص‌های قدرت نرم ناملموس و ذهنی است و از این رو سنجش سطح قدرت نرم حکومت‌ها و همچنین ارزیابی تأثیرات آن به راحتی امکانپذیر نیست.

دهقانی فیروز آبادی و ذوالفقاری در مقاله «تحلیل قدرت نرم بریتانیا» (۱۳۹۳)، به این مسئله پرداخته‌اند که مهم‌ترین منابع قدرت نرم بریتانیا در سیاست خارجی این کشور کدام است؟ در پاسخ به این مسئله نویسندگان تلاش کرده‌اند منابع و سازمان‌های متولی تولید و کاربست قدرت نرم بریتانیا را شناسایی کنند. آن‌ها منابع قدرت نرم را به دو حوزه منابع جامعه محور و دولت محور تقسیم کرده و شاخص‌هایی را تعریف کرده‌اند. سپس با سنجش این شاخص‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که دولت بریتانیا به دلیل برخورداری از ظرفیت‌های داخلی و بین‌المللی، یکی از شاخص‌ترین بازیگران جهانی در عرصه تولید و به کارگیری قدرت نرم است.

حافظ نیا و همکارانش در مقاله «طراحی مدل سنجش قدرت ملی کشورها» (۱۳۸۵)، کوشیده‌اند با توجه به نقد و ارزیابی مدل‌های پیشین سنجش قدرت ملی، مدل نوینی ارائه کنند. نویسندگان ضمن تشریح شیوه طراحی مدل سنجش قدرت ملی در قالب سیزده مرحله، با استفاده از مدل مزبور، به سنجش قدرت ۱۴۰ کشور جهان پرداخته‌اند و در پایان با توجه به میزان قدرت ملی کشورها، ساختار قدرت جهانی را در قالب مدلی ۵ سطحی ارائه داده‌اند. البته این پژوهش قدرت ملی را مساوی با قدرت سخت دانسته است.

بررسی مقاله‌های ذکر شده در بالا و سایر پژوهش‌های مرتبط نشان می‌دهد هیچ یک به طور

ویژه و تخصصی به موضوع پژوهش حاضر یعنی شاخص‌های سنجش عملکرد قدرت نرم حکومت در مدیریت سیاسی فضا پرداخته‌اند. برخی از پژوهش‌ها با تکیه بر شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی که از تعاریف قدرت نرم استخراج کرده‌اند به رتبه بندی‌های مختلف از کشورها پرداخته‌اند و برخی دیگر قدرت نرم را به قدرت ملی و حوزه سیاست خارجی حکومت‌ها پیوند زده و اساساً در مباحث قدرت نرم نوعی نگاه به بیرون داشته‌اند، برخی دیگر نیز قدرت ملی را مساوی با قدرت سخت در نظر گرفته و در آن راستا قلم زده‌اند. در حالیکه موضوع پژوهش حاضر شناسایی شاخص‌های سنجش عملکرد حکومت‌ها را در بکارگیری قدرت نرم آن‌ها در حوزه سیاست داخلی و کشورداری مورد تأکید قرار داده و رابطه بین قدرت نرم و مدیریت سیاسی فضا را تبیین کرده است. مسئله‌ای که در پژوهش‌های پیشین به آن پرداخته نشده است.

۳. چارچوب مفهومی

۳-۱- قدرت نرم حکومت

یکی از وجوه ممیزه دنیای امروز از دنیای پیشین، فزون‌اهمیتی قدرت نرم کشورها و توانایی آنان در ایجاد تغییرات ژرف، تدریجی و نامحسوس [و یا تعمیق و استحکام] در نظام باورها، سبک زندگی، مواضع سیاسی و نگرش‌ها و ترجیحات اجتماعی با اعمال قدرت نرم است (آقامهدوی و نادری، ۱۳۹۰: ۱۶۷). قدرت نرم تحول مثبت و ارزنده‌ای در تحول مفهوم قدرت به شمار می‌آید. تأکید نظریه‌پردازان آن، بر خاستگاه اجتماعی قدرت است و اینکه مشروعیت، اعتبار، اعتماد و مشارکت، مولد قدرت نرم است (ابوالفتحی و نوری، ۱۳۹۲: ۷۸). همانگونه که مفهوم قدرت در معنای عام خود مبادی و شاخص‌های گوناگونی دارد، قدرت نرم نیز بر مبادی و شاخص‌های خاص خود تکیه دارد. جوزف نای مهم‌ترین مبادی قدرت نرم را در چارچوب‌های جذابیت فرهنگی، ارزش‌های راستین و سیاست خارجی مناسب می‌بیند. وی تأکید می‌کند که وجود این منابع چندگانه تولیدکننده جذابیت در عرصه داخلی و خارجی است (نای، ۲۰۰۶: ۱۰-۱۵). منابع قدرت باید به شکلی موفقیت آمیز از طریق استراتژی‌های مؤثر و کارآمد، به نتایج مطلوب و مورد نظر [در مدیریت سیاسی فضا] تبدیل شوند. لذا برای آن‌که حکومت‌ها بتوانند بهترین استراتژی‌ها را در پیش بگیرند و کاستی‌های استراتژی‌های منتخب را برطرف کنند، نیازمند ارزیابی و سنجش مداوم نتایج و پیامدهای اعمال قدرت از سوی خود هستند (رفیعی قهسازه، ۱۳۹۷: ۱۶).

۲-۳-کشورداری

مدیریت سیاسی فضا در سطح ملی (کشوری) که توسط حکومت ملی و در قالب نظام رسمی حاکم بر هر کشور اعمال و منجر به فرآیندها و عملکرد خاصی در مدیریت امور سیاسی-اجرایی یک کشور می‌شود را کشورداری گویند. لذا کشورداری یکی از سطوح مدیریت سیاسی فضا است (کاوندی کاتب و دیگران، ۱۳۹۶: ۳). کشورداری را هنر یا مهارت اداره امور کشور، فرمانداری و دیپلماسی، فن راهبری و اداره و مهارت اداره امور کشور، توانایی ادارک و تأثیرگذاری رهبری سیاسی و هنر حکمرانی و دیپلماسی نیز تعریف کرده‌اند. پایه‌گذاران رشته جغرافیای سیاسی، «تورگو» (۱۷۲۷-۱۷۸۱ میلادی) و کانت (۱۸۰۴-۱۷۲۴ میلادی) دانش جغرافیای سیاسی را در خدمت کشورداری معرفی می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۲). کشورداری را می‌توان عمل پیوند حکمرانی، اداره امور عمومی و فعالیت‌های عملیاتی روزمره در ساحت‌های مختلف یک کشور نامید که به هدف تأمین، حفظ و ارتقای زندگی مادی و معنوی مردمان آن کشور انجام می‌شود (دانایی فرد، ۱۴۰۰: ۱). میزان موفقیت امر کشورداری در گرو رویکردی است که حاکمان، دولتمردان و مدیران برای اعمال حکمرانی و مدیریت (مدیریت سیاسی فضای ملی) در پیش می‌گیرند. به طور کلی سه رویکرد اصلی به کشورداری وجود دارد:

رویکرد منفعلانه: چاره‌اندیشی پس از وقوع مسائل؛

رویکرد فعالانه: پیشگیری از وقوع مسئله و چاره‌اندیشی قبل از وقوع آن؛

رویکرد بی‌تفاوت گونه: چشم‌پوشی و ولنگاری نسبت به حل مسائل (همان: ۲).

حکومت‌ها ممکن است در جنبه‌های مختلف کشورداری هر یک از این سه رویکرد را در پیش بگیرند. هر چه سیستم مدیریت سیاسی فضا در یک کشور ارتقایافته‌تر و پیشرفته‌تر باشد، رویکرد دوم افزایش پیدا می‌کند. لذا، کشورداری خوب به یمن وجود سیستم‌های مدیریتی و سازمانی دقیقی اعمال می‌شود که با توسل به مقررات با کیفیت، منویات ملی هر کشوری را در تاروپود جامعه ساری و جاری می‌سازد (دانایی فرد، ۱۳۹۸: ۳). کشورداری و مدیریت یک جامعه، تابع اصول ثابتی است. البته در حوزه کشورداری اصول متغیری نیز وجود دارند که تابع زمان و شرایط هر جامعه است. اصول ثابت مثل عقلایی کردن آموزش، نظم، قانون‌پذیری، هویت مستحکم، فرهنگ قوی کار، مسئولیت‌پذیری و غیره. این اصول ثابت فراتر از مکان و زمان قرار دارند. تمام کشورهای که توسعه اقتصادی یا اجتماعی پیدا کرده‌اند، این اصول ثابت را رعایت کرده‌اند. این اصول ثابت و پایدار

سلیقه‌ای نیستند و پشتوانه تجربه تاریخی و عقلی دارند. کشورداری موفق تئوری می‌خواهد؛ تئوری یعنی اینکه تسلسل نسبی عملکردها و اندیشه‌ها در یک فرآیند میان مدت روشن باشند. این تئوری‌ها را نخبگان فکری باید صیقل بدهند و آفات آن را با ثبت وقایع و عملکردهای موجود بردایند (سریع‌القلم، ۱۳۹۰: ۵۴).

۳-۳- سنجش عملکرد

عملکرد ۱ فرآیند تعیین کردن، به دست آوردن و فراهم ساختن اطلاعات توصیفی و قضاوتی در مورد ارزش و مطلوبیت‌ها، اهداف، طرح‌ها، اجرا و نتایج، به منظور هدایت و تصمیم‌گیری و درک بیشتر پدیده‌های مورد بررسی است (استافل بیم و شنکفیلد، ۱۹۸۵: ۴۳). آرمسترانگ (۱۹۹۴)، عملکرد را «دستیابی به اهدافی که کمیت و کیفیت آن‌ها تعیین شده»، می‌داند. فرهنگ انگلیسی آکسفورد، «عملکرد» را «به‌عنوان اجرا، به‌کار بستن، انجام دادن هر چیز منظم یا تعهد شده» تعریف می‌کند. این تعریف علاوه بر اینکه در ارتباط با ستاده‌ها و بروندادهاست، نشان می‌دهد که عملکرد مرتبط با انجام کار و همچنین نتایج حاصله است. بنابراین عملکرد را می‌توان به‌عنوان رفتار تلقی کرد. رنادین (۲۰۰۳)، معتقد است، عملکرد را باید به‌عنوان نتایج کاری تعریف کرد؛ زیرا که این نتایج قوی‌ترین رابطه را با اهداف راهبردی سازمان، رضایت مخاطبان و مشارکت اقتصادی برقرار می‌کند. براماچ (۱۹۹۸)، دیدگاه جامع‌تری از عملکرد را ارائه می‌دهد که در برگیرنده رفتار و نتایج است. رفتارها از عامل نشأت می‌گیرند و عملکرد را از فکر به عمل تبدیل می‌کنند. رفتارها نه تنها ابزارهایی جهت رسیدن به نتایج نیستند، بلکه به‌نوبه خود پیامدهایی دارند که از محصول فعالیت‌های ذهنی و فیزیکی گرفته شده و می‌توان آن‌ها را جدا از نتایج دانست (حقیقی و دیگران، ۱۳۸۸). در مورد عملکرد، اغلب از دو واژه دامنه و عمق استفاده می‌شود. یک نهاد (کشور)، داده‌هایی (کمی و کیفی) وارد کرده و در فعالیت‌هایی (کمی و کیفی)، آن‌ها را پردازش نموده و تبدیل به ستاده‌هایی (کمی و کیفی) می‌کند. این ستاده‌ها (کالاها یا خدمات) وارد جامعه خواهند شد. گاهی ستاده‌ها مستقیماً قابل مصرف هستند؛ اما در بسیاری از موارد، ستاده‌ها تنها درجه دسترسی هستند که باعث می‌شود این‌گونه نتایج واسطه‌ای باشند که به سطح تحلیلی فعالیت‌ها ارتباط یابند. گاهی نیز ستاده‌ها برای تولیدات بعدی استفاده می‌شوند و گاه آن‌ها، غیرقابل تقسیم هستند (مثل امنیت توسط نظامیان). بنابراین گاه عملکرد در حوزه ستاده‌ها دارای نتایج اولیه، ثانویه و اثر نهایی است و بسته به اینکه

۱. Performance

کدام حوزه مدنظر قرار بگیرد دامنه حوزه عملکردها محدود و یا گسترده می شود.

اثر نهایی ⇨ نتایج ثانویه ⇨ نتایج اولیه ⇨ فعالیتها / فرآیندها ⇨ دادهها

هر سازمانی از سطح خرد، یعنی سطح فردی تا سطح کلان، یعنی سیستم سیاسی - حاکمیتی یک کشور، جهت ارتقا و بهینه‌سازی عملکرد خود، یک فرآیند سه مرحله‌ای را پیش رو دارد: ۱. سنجش عملکرد؛ ۲. ارزیابی عملکرد؛ ۳. مدیریت عملکرد. سنجش عملکرد وظیفه اندازه‌گیری عملکرد را به عهده دارد. ارزیابی عملکرد، به مقایسه عملکرد موجود با وضعیت مطلوب (مورد انتظار) می‌پردازد و مدیریت عملکرد، با استفاده از نتایج سنجش و ارزیابی عملکرد به دنبال مدیریت بهینه آن است. لذا سنجش عملکرد اولین مرحله از فرآیند ارتقا و بهینه‌سازی کارکرد یک سیستم یا سازمان است. سنجش عملکرد، نظامی است که استراتژی‌های سازمانی را به نتایج قابل اندازه‌گیری تبدیل می‌کند. این نظام اهداف استراتژیک، مالی و عملیاتی را از طریق سنجش‌های عملکردی و اختصاص معیار و مقیاس برای آن‌ها، می‌سنجد (رازینی و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۹). سنجش عملکرد نوعی ابزار اندازه‌گیری است که تعیین می‌کند یک سازمان در راستای دستیابی به اهداف و استراتژی‌های خود، چگونه از منابع و ظرفیت‌های موجود استفاده کرده است؟ سنجش عملکرد یک هدف نیست، بلکه ابزاری است برای مدیریت اثربخش. نتایج سنجش عملکرد نشان می‌دهد که چه اتفاقی افتاده است، اما چرایی آن را نشان نمی‌دهد. یک سازمان به منظور استفاده مؤثر از یافته‌های سنجش عملکرد، نیازمند انتقال از «سنجش» به «ارزیابی» و «مدیریت» است (رهنورد، ۱۳۸۷: ۸۰).

اینکه حکومت‌ها چگونه از منابع و امکانات ملی در راستای انجام وظایف و مسئولیت‌های خود در امر مدیریت سیاسی فضای ملی و ارتقای سطح قدرت خود استفاده کرده و چه نتایج و پیامدهایی را در پی داشته است، عملکرد قدرت نرم حکومت نامیده می‌شود. همچنین، با توجه به فرآیند جهانی شدن، عملکرد یک کشور در حوزه‌های مختلف دارای اثراتی فراملی است که بر منطقه و جهان تاثیرگذار است. یک کشور نمی‌تواند صرفاً متناسب با شاخص‌های تعریف شده داخلی خود عمل کرده و اثرات منطقه‌ای و جهانی آن را نادیده بگیرد. امروزه توصیه‌هایی که در عرصه بین‌المللی برای شفاف‌سازی، پاسخگویی و سنجش و ارزیابی عملکرد کشورها، در قالب شاخص‌های حکمرانی خوب از سوی نهادهای بین‌المللی ارائه می‌شود، در این چارچوب صورت می‌گیرند.

از این رو، عملکرد قدرت نرم حکومت از جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و... قابل مطالعه است. جوزف نای قدرت نرم را شیوه‌ای برای رسیدن به نتایج دلخواه،

بدون تهدید و تشویق آشکار و ملموس دانسته و معتقد است: یک کشور و حاکمیت می‌تواند بر این پایه به مقاصد موردنظر خود برسد. چراکه کشورهای دیگر، ارزش‌های آن را می‌پذیرند و تحت تأثیر پیشرفت و اندیشه آن قرار می‌گیرند و در نتیجه خواهان پیروی از آن می‌شوند (قریبی و جعفری، ۱۳۹۵: ۱۲).

به طور کلی، اکثر حکومت‌ها در جهان در حال کار بر روی بهبود عملکرد سازمان‌های دولتی خود جهت ارتقای قدرت نرم سیستم حاکمیتی هستند. «عملکرد قدرت نرم» یک دولت به عنوان یکی از عوامل اصلی تعیین‌کننده مزیت رقابتی آن کشور به شمار می‌آید. رقابت در میان ملت‌ها برنده می‌شود نه کشورهایی که منابع یا ایده‌های بیشتری دارند. نتیجه این رقابت در میان ملت‌ها به این بستگی دارد که ملت‌ها چگونه از منابع خود استفاده می‌کنند و چگونه ایده‌ها و سیاست‌های خوب را اجرا می‌کنند (تریودی، ۲۰۱۹: ۱۵). سنجش عملکرد قدرت کشورها به صورت کمی و کیفی است و بدون توجه به محیط داخلی و مقایسه با محیط بیرونی و بین‌المللی نمی‌تواند به سرانجام برسد. در هر صورت سه سطح از سنجش عملکردی قدرت نرم حکومت، همواره مورد نظر خواهد بود:

شناخت مسایل داخلی، مطالعه پیشینه و یا مقایسه کشور با خود در مقاطع تاریخی قابل مقایسه؛ برای مثال با دو دوره زمانی قبل و بعد از روی کار آمدن حکومت‌ها و یا دولت‌ها و یا اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها؛

سنجش عملکرد قدرت حکومت با شناخت از منطقه و شرایط بین‌المللی (سریع‌القلم، ۱۳۹۰:

۶۳). شرایط جهانی چنان رابطه به هم بافته و ناگشودنی با سیاست بین‌المللی دارند که هر اقدامی در جهت جدا کردن آن‌ها گمراه‌کننده و خطرناک خواهد بود (گارنت، ۱۳۷۲: ۶). همچنین وجود رقبا و دشمنان ملی، می‌تواند اولویت‌بندی ملی کشورها را روشن کند. لذا مقایسه رتبه، موقعیت و جایگاه کشور در نظام قدرت جهانی در بخش‌های مختلف و در مقایسه با کشورهای مختلف اهمیت می‌یابد؛ تطبیق اهداف و برنامه‌های از پیش تعیین شده حکومت و میزان موفقیت حکومت در دستیابی به آن: شرایط اساسی حرکت جامعه از مدار سستی به مدار توسعه یافتگی باید با اهداف روشن و اولویت‌بندی خاص همراه باشد. کشورها زمانی استراتژی پذیر می‌شوند که اولویت‌بندی داشته باشند؛ در غیر این صورت، دستیابی به یک استراتژی ملی محال است (سریع‌القلم، ۱۳۹۰: ۶۹).

۴. مبانی نظری

باید سازمان را به‌سان یک کل نظام‌یافته در نظر گرفت که برای کسب هدف مشترک فعالیت

می‌کند. سیستم‌های بزرگ از تعدادی خرده‌سیستم تشکیل می‌شوند. سیستم باید پاسخ‌گوی نیازهای محیطی باشد و خود را با شرایط محیط تطبیق دهد (حقیقی و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۸۰). در نظریه‌های کلاسیک، سازمان به‌عنوان یک سیستم بسته مورد بررسی قرار می‌گیرد. ولی در نظریه‌های نوین، سازمان یک سیستم فنی-اجتماعی تلقی می‌شود که برای رشد و کمال باید همواره خود را با عوامل متغیر داخلی و خارجی سازگار و هماهنگ نماید (شرمرهورن، ۱۹۹۶: ۳۸). مدیران نیز باید بتوانند موقعیت‌های گوناگون را به درستی شناخته و وضعیت کنونی سازمان را با آن هماهنگ کنند. به عبارت دیگر، هر آن‌چه مدیر در عمل انجام می‌دهد، به مجموعه‌ی شرایط موجود وابسته است (جانسون و دیگران، ۱۹۷۹: ۱۹).

برای سنجش کارایی یک حکومت در استفاده از قدرت نرم خود در مدیریت سیاسی فضای سرزمینی، نخست باید دانست از میان انبوهی از دیدگاه‌ها و شاخصه‌های نرم افزارانه قدرت که حکومت‌ها با آن مواجه هستند، چه چیزهایی باید مورد سنجش قرار گیرند. از این روی با مراجعه به نظریات گوناگون حوزه‌ی کشورداری، شاخص‌ها و ابعاد کارکردی نرم‌افزارانه حکومت در مدیریت داخلی کشور شناسایی شد. اندیشمندان و نظریه‌پردازان بی‌شماری در طول تاریخ، درباره‌ی کشورداری و مقبولیت سیاسی نظر داده‌اند؛ هرچند تئوری روشنی و روشن و کاملی برای کارکردها و وظایف حکومت وجود ندارد (جاکوبسن و لیپمن، ۱۹۶۸: ۱۵). اما کمتر افرادی، به تأثیر کارویژه‌های قدرت نرم بر کیفیت مدیریت سیاسی کشورها پرداخته‌اند. مهم‌ترین تئوری‌های کارکردی حکومت در سده بیستم را می‌توان در حوزه اقتصاد سیاسی تقسیم‌بندی کرد؛ چراکه اقدامات، فعالیت‌ها و اولویت‌های هر یک از اندیشه‌های سیاسی، گویای میزان اهداف حکومت‌های اجراکننده آن اندیشه در نظام سیاسی است. از آن جمله فردگرایان که باور دارند بسیاری از وظایفی که اکنون بر دوش دولت است را بخش خصوصی و مردم به شکل بهتری می‌توانند انجام دهند. در نئولیبرالیسم نقش حکومت، ایجاد و حفظ یک چهارچوب نهادی درخور برای عملکرد آزادی‌های فردی و مالکیت خصوصی است. آنارشیست‌ها دولت و لزوم آن را رد می‌کنند، اما در برابر کمونیست‌ها می‌گویند، حکومت همه ابزارهای تولید، توزیع و حتی تنظیم همه جزئیات زندگی خصوصی و فردی را باید برعهده داشته باشد. جوزف نای در نظریه قدرت نرم بر این نکته تأکید می‌کند که چنانچه حکومتی بتواند در سیاست داخلی خود مشروعیت، مقبولیت و همراهی عامه مردم را کسب کند، در سیاست خارجی نیز تا حد زیادی موفق عمل خواهد کرد و این مهم را در سایه بکارگیری هوشمندانه مؤلفه‌های قدرت

نرم می‌داند. در این بخش نظریه‌ها به طور کلی در شش دسته نظریه‌های جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، قدرت نرم (روابط بین‌الملل)، جامعه‌شناسی، مدیریت و توسعه قابل تنظیم هستند. از این میان به نظریه قدرت نرم به طور مفصل‌تری پرداخته شده است. این نظریه‌ها با ابعاد جهان‌شمول‌تری شاخصه‌های سنجش قدرت نرم حکومت‌ها را در کشورداری در جهان پیچیده کنونی تشریح می‌کنند.

۵. روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و گردآوری داده‌ها با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است. بر این اساس پس از بررسی چارچوب مفهومی و مبانی نظری مرتبط، جهت استخراج شاخص‌ها به نظریات ۶ حوزه تخصصی جغرافیای سیاسی، مدیریت، علوم سیاسی، قدرت نرم (روابط بین‌الملل)، جامعه‌شناسی و توسعه مراجعه و شاخص‌ها از میان نظریه‌ها و دیدگاه‌های متعدد در رشته‌های مذکور شناسایی شدند. پس از آن هر یک از شاخص‌ها به ترتیب اهمیت دسته بندی شده و شاخص‌هایی که بیشترین همپوشانی را با سایر نظریات داشتند، در مدل نهایی پژوهش مدون گردید.

۶. یافته‌های پژوهش

۶-۱- نظریه‌های جغرافیای سیاسی

در نظریه‌های جغرافیای سیاسی، ۹ نظریه شاخص بر کارکرد حکومت‌ها تأکید داشتند که در مجموع ۴۲ شاخص برای اندازه‌گیری و سنجش عملکرد قدرت نرم حکومت‌ها شناسایی شد. این دیدگاه‌ها و نظریه‌ها شامل، (۱) نظریه کارکردی حکومت ۱ از ریچارد هارتشورن (۱۸۹۹-۱۹۹۲ میلادی)؛ (۲) الگوی یکپارچه‌سازی و جدایی‌سازی از کارل دویچ (۱۹۵۳ میلادی)؛ (۳) نظریه واکاوی نظام سیاسی (۱۹۷۱ میلادی)، از سوئل کوهن و ال.دی روزنتال (گلاسنر و فابل، ۲۰۰۴: ۵۶؛ حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۴۱)؛ (۴) نظریه آیکنوگرافی ۳ و سیرکولاسیون ۴ از ژان گاتمن ۱ (جغرافیدان فرانسوی ۱۹۱۵-

۱. The functional approach
۲. Karl Deutsch
۳. Iconography
۴. Circulation

۱۹۹۱م) (گاتمن، ۱۹۷۵: ۳۷ و گاتمن ۱۹۵۲: ۲۲۱)؛ ۵) نظریه فلسفه جغرافیایی حکومت از محمدرضا حافظنیا (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۲۱۲ و ۲۱۶ و ۳۴۲؛ حافظنیا، ۱۳۸۸: ۱)؛ ۶) نظریه اصول کشورداری یا مدیریت سیاسی فضای ملی از حافظنیا (۱۴۰۰)؛ ۷) مدل حلقه‌ای اصول مدیریت سیاسی فضا از ابوالفضل کاوندی کاتب (۱۳۹۷)؛ ۸) دیدگاه دره میرحیدر (میرحیدر و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۶) و ۹) دیدگاه تورگو (حافظنیا، ۱۳۹۳، میرحیدر و همکاران ۱۳۹۷: ۱۳) بود. مهم‌ترین شاخص‌ها برای سنجش عملکرد حکومت در این نظریات، مدیریت کشور، برقراری نظم داخلی و امنیت ملی، همبستگی و ماندگاری کشور، حفاظت از زبان و فرهنگ مشترک، حفاظت از مرزها، توسعه مداوم کشور با توجه به فضای رقابت جهانی و توسعه روابط خارجی مطلوب است. سایر مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدیریت سیاسی فضا برای سنجش عملکرد قدرت نرم در یک کشور در نظریه‌های جغرافیای سیاسی به شرح زیر است:

۱. برقراری نظم داخلی و امنیت ملی، ۲. حفظ و پیشبرد منافع یکایک شهروندان، ۳. پاسداری از تمامیت ارضی و استقلال کشور، ۴. مدیریت کشور، ۵. حفاظت از بنیادهای زیستی کشور، ۶. همبستگی و ماندگاری کشور، ۷. حفاظت از زبان و فرهنگ مشترک، ۸. حفاظت از مرزها، ۹. ایجاد تحول و رشد اقتصادی و مهار فساد، ۱۰. ایجاد نواحی هسته‌ای و رشد و توسعه کشور و شهرها، ۱۱. توسعه زیرساختی شبکه‌های ارتباطی، ۱۲. یکپارچگی کشور با احترام به تنوع قومی و مذهبی، ۱۳. بهره‌برداری مطلوب از منابع زیرزمینی و روزمینی، ۱۴. توسعه مداوم کشور با توجه به فضای رقابت جهانی، ۱۵. توسعه روابط خارجی مطلوب، ۱۶. مشارکت سیاسی، دموکراسی و توجه به خواست ملت، ۱۷. حفظ حکومت، ۱۸. تأمین نیازهای مادی و معنوی ملت و ایجاد رفاه عمومی، ۱۹. تضمین اتحاد، همگرایی و انسجام افراد ملت، ۲۰. افزایش قدرت ملی، ۲۱. حفاظت از ارزش‌های هویت ملی و تحکیم آن، ۲۲. تقویت حس تعلق به کشور، حکومت و هویت ملی، ۲۳. حفاظت از علایق ژئوپلیتیکی و منافع ملی، پرستیژ و حقوق ملت در ماورای مرزها، ۲۴. عدالت اجتماعی در دسترسی به منابع و فرصت‌ها، عدالت‌گستری و تضمین حقوق شهروندی، ۲۵. نظام قضایی، ۲۶. ساختار سازی منطقی حکومت مرکزی (شامل قانون اساسی، تشکیلات دیوانی و اداری حکومت)، ۲۷. مدیریت سیاست داخلی و بهینه‌سازی مدیریت سیاسی واحدهای تقسیمات کشوری، ۲۸. الگوی ارتباط میان

حکومت و مردم (تنظیم حقوق متقابل مردم و حکومت)، ۲۹. نحوه تعامل با ناراضیان داخلی و جذب حداکثری آنان، ۳۰. سازماندهی و آمایش سیاسی فضای جغرافیایی کشور، ۳۱. تناسب کمیت و کیفیت جمعیت با سطح توسعه در مقیاس‌های ملی و منطقه‌ای، ۳۲. آمایش و حفظ تعادل فضایی در جمعیت پذیری و فعالیت و تأمین عدالت جغرافیایی در کشور، ۳۳. مدیریت و کاربری بهینه منابع زیرساختی، برای تولید اقتصادی و اشتغال و افزایش ثروت ملی، ۳۴. مالیات، ۳۵. اندیشه‌سیاسی و مقبولیت‌بخشی به حاکمیت سیاسی، ۳۶. نظارت عالیه بر کلیه امور سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نیز دارایی‌های کشور، ۳۷. توسعه انسانی، مشارکت جامعه، خانواده، مالکیت، زنان، اقلیت‌ها، نهادهای عام‌المنفعه و ...، ۳۸. تأمین خیر عمومی و اعتلای بشر، ۳۹. تمرکززدایی و کاستن از وظایف دولت، ۴۰. بهره‌گیری از دانش، فناوری و تجربه در مدیریت سیاسی، ۴۱. ایجاد ساخت‌ها و چشم‌اندازهای مطلوب اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، ۴۲. بهره‌گیری از موقعیت کشور در توسعه مناسبات بین‌المللی.

۶-۲- نظریه‌های توسعه

توسعه یک اصطلاح ترکیبی برای تعداد بیشماری از استراتژی‌های اتخاذ شده برای تحول اقتصادی، اجتماعی و محیطی از حالت‌های فعلی به استراتژی‌های مورد نظر است (کتابی و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۰۳). در نظریه‌های توسعه، ۱۰ نظریه شاخص که بر کارکرد قدرت نرم تأکید دارند، مورد مطالعه قرار گرفت که در مجموع ۲۲ شاخص قابل اندازه‌گیری برای سنجش عملکرد قدرت نرم حکومت‌ها شناسایی شدند. نظریه‌های توسعه در این بخش شامل نظریه‌های زیر است: (۱) نظریه لمن و کاکس؛ (۲) نظریه توسعه بوم شناسانه از موريس استرانگ در اواخر دهه ۷۰ میلادی؛ (۳) نظریه‌های دولین و یاپ؛ (۴) نظریه دبلیو. ام. آدامز در سال ۱۹۹۰؛ (۵) نظریه رابرت فوگل در سال ۱۹۹۳ میلادی؛ (۶) نظریه آنالدورا و الیون در درباره فقر (۱۹۹۳)؛ (۷) نظریه اکولوژیست‌های سبز؛ (۸) نظریه نظام اجتماعی از پارسونز؛ (۹) پارادایم جدید اکولوژیکی از دانلپ و ون لایر و (۱۰) پارادایم جدید زیست محیطی از کاتون و دانلپ (نوابخش و بذرافشان، ۱۳۹۳: ۱۵-۷). مهم‌ترین شاخص‌هایی که در این نظریه‌ها تکرار شده‌اند شامل، حفظ منابع طبیعی و محیط زیست، اصلاح و بهبود اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی، افزایش منابع انسانی و توانمندسازی جوامع و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فناوری و فرهنگی هستند که بیشترین تأکید را در نظریه‌های مختلف در بر می‌گرفتند. نتایج کلی شاخص‌ها به شرح زیر است:

۱. اصلاح و بهبود اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی، ۲. فناوری، ۳. عدالت اجتماعی، ۴. حفظ منابع طبیعی و محیط زیست، ۵. افزایش منابع انسانی و توانمندسازی جوامع، ۶. توسعه اقتصادی، اجتماعی، فناوری و فرهنگی، ۷. تفکر دقیق، ۸. برنامه‌ریزی، ۹. ارتقاء سطح حیات انسان و به ویژه زنان، ۱۰. هوشمندی، ۱۱. تجربه، ۱۲. شناخت، ۱۳. خلاقیت، ۱۴. تربیت انسان‌هایی آگاه، کارآمد و خلاق، ۱۵. احترام به انسان، ۱۶. فرهنگ، ۱۷. اخلاق، ۱۸. توسعه بهداشت، ۱۹. کاهش فقر، ۲۰. رفاه و رشد اقتصادی، ۲۱. تولید مسکن مطلوب، ۲۲. تولید ثروت.

۳-۶- نظریه‌های جامعه‌شناسی

از جمله نظریه‌های جامعه‌شناسی در خصوص عملکرد قدرت نرم حکومت‌ها می‌توان به (۱) دیدگاه بروس کوئن (۱۳۸۱: ۳۹۱؛ ۲) دیدگاه حسین بشیریه درباره اهداف کارکردی دولت (بشیریه، ۱۳۸۷: ۴۳؛ ۳) دیدگاه نقیب‌زاده در جامعه‌شناسی سیاسی و درباره عناصر متشکله کشور و وظایف دولت در برابر آن‌ها (نقیب‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۹۱-۱۸۱) و (۴) نظریه سیستمی در جامعه‌شناسی سیاسی (نقیب‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۷۲-۱۶۹) اشاره کرد. از نتیجه بررسی ادبیات مربوطه، در مجموع ۲۵ شاخص و در ۴ نظریه مهم شناسایی شد. مهم‌ترین شاخص‌هایی که در منابع تکرار شده است شامل، حراست و دفاع از جامعه در برابر تهاجم خارجی، حفظ نظم در جامعه و تأمین خیرعمومی هستند. نتایج کلی شاخص‌ها به شرح زیر است:

۱. حراست و دفاع از جامعه در برابر تهاجم خارجی، ۲. تأمین کالاهای اساسی و خدمات برای اعضای جامعه، ۳. حفظ نظم در جامعه، ۴. مجازات هنجارشکنان در جامعه، ۵. تأمین خیرعمومی، ۶. بهبود وضعیت جامعه، ۷. دفاع از سرزمین، حاکمیت و حکومت، ۸. تقویت میهن دوستی، ۹. حفاظت از مرزها، ۱۰. آمایش سرزمین، ۱۱. ایجاد تعادل میان مناطق مختلف، ۱۲. بهره‌وری از منابع طبیعی، ۱۳. ایجاد راه‌های ارتباطی، ۱۴. افزایش وجوه اشتراک و ایجاد رابطه و همبستگی میان آحاد ملت، ۱۵. توسعه سیاسی، ۱۶. کسب مشروعیت سیاسی، ۱۷. تدوین استراتژی و برنامه‌ریزی، ۱۸. ایجاد تعادل و عدالت اجتماعی مطلوب، ۱۹. پاسداری از ارزش‌ها، ۲۰. بالندگی فرهنگ عمومی، ۲۱. بهداشت و سلامت جامعه، ۲۲. پاسخ‌گویی به نیازهای مردم، ۲۳. نظارت، ۲۴. کارآیی منابع انسانی، ۲۵. آموزش.

۴-۶- نظریه‌های علوم سیاسی

در علوم سیاسی نیز نظریه‌های بسیاری فراگرد کارکرد و سنجش عملکرد حکومت‌ها و دولت‌ها وجود دارد. در این میان ۸ دیدگاه مطالعه شده و در مجموع ۳۹ شاخص برای سنجش عملکرد حکومت‌ها شناسایی شد. این دیدگاه‌ها شامل، (۱) حکمرانی بر فراگرد مدیریت سیاسی از پورعزت (۱۳۸۷: ۱۹)؛ (۲) دیدگاه بورلاتسکی (۱۳۶۰: ۵۲)؛ (۳) دیدگاه لیسون (لیسون، ۱۹۸۵: ۴۲-۴۳)؛ (۴) کارکردهای دولت از لاور (لاور، ۱۹۸۳: ۸۸)؛ (۵) نظریه تانسی (تانسی، ۲۰۰۴: ۱۳۹-۱۳۵)؛ (۶) کارویژه‌های دولت رفاه (عالم، ۱۳۸۶: ۳۸۱-۳۷۵)؛ (۷) هدف‌های دولت از گارنر (عالم، ۱۳۸۶: ۲۳۹) و (۸) کارکردهای سه‌گانه حکومت (جاکوبسن و لیمن، ۱۹۶۸: ۱۸-۱۷) است. مهم‌ترین شاخص‌هایی که در منابع تکرار شده شامل، حفظ نظم داخلی و امنیت اجتماعی، اقتدار و مشروعیت سیاسی، تحکیم قدرت نظامی برای دفاع ملی و بهداشت عمومی است. نتایج کلی شاخص‌ها بدین شرح است:

۱. رهبری امور عمومی، ۲. حفظ نظم داخلی و امنیت اجتماعی، ۳. به کارگیری منابع عمومی، ۴. اعمال قدرت اجرایی، ۵. تعیین اهداف و وظایف جامعه، ۶. بسیج منابع، ۷. یکپارچگی اجتماعی، ۸. اقتدار و مشروعیت سیاسی، ۹. تحکیم قدرت نظامی برای دفاع ملی، ۱۰. بهداشت عمومی، ۱۱. کنترل آلودگی، ۱۲. تأمین کار برای مردم متناسب با علاقه‌مندی جامعه، ۱۳. ملی و قانونی کردن تعدادی از صنایع کلیدی، ۱۴. توجه به خصوصی سازی و مشارکت مردم، ۱۵. وضع قانون برای حفظ حاکمیت و تقویت اطاعت و ایجاد شرایط امنیت کامل، ۱۶. حفظ نهادهایی مانند خانواده و مالکیت، ۱۷. توسعه حمل و نقل و شبکه ارتباطات، ۱۸. تقویت سیاست خارجی و حفظ روابط دیپلماتیک با کشورهای دیگر، ۱۹. جمع‌آوری مالیات و مجازات فراریان از مالیات، ۲۰. رفاه عمومی، ۲۱. گسترش آموزش و پرورش، ۲۲. تأمین امنیت اقتصادی از راه تنظیم فعالیت‌ها، ۲۳. ارائه خدمات اجتماعی، ۲۴. برقراری رژیم حقوقی برای تعیین و حمایت از حقوق فردی و ایجاد قلمرو آزادی فردی، ۲۵. منافع عمومی، ۲۶. بالندگی تمدن بشر، ۲۷. تقویت دادگاه‌ها برای مجازات مهاجمان، ۲۸. حفظ حقوق و رفع مجادله‌های قانونی مردم، ۲۹. ریشه‌کنی فقر، ۳۰. حمایت از افراد ناتوان، ۳۱. ساخت پارک‌های عمومی، ۳۲. بازسازی مراکز، ۳۳. انتشار اطلاعات، ۳۴. کارکردهای تجاری، ۳۵. بیمه، ۳۶. تأمین اجتماعی، ۳۷. ایستگاه‌های رادیویی.

۵-۶- نظریه قدرت نرم جوزف نای

نظریه قدرت نرم جوزف نای از آنجا ریشه می‌گیرد که نای معتقد بود در آینده، قدرت از آن کسی است که بتواند توانایی ایجاد تغییرات دلخواه خود را در رفتار دیگر بازیگران ایجاد کند. یعنی یک بازیگر سیاسی یا حکومت بتواند با تغییر ذهنیت مخاطب خود و نه با زور و اجبار، به منافع و خواسته های خود دست یابد. نای این مفهوم جدید از قدرت را مبتنی بر منابع و سیاست های نرم افزارانه دانسته و از این رو آن را قدرت نرم نامید. از نظر وی قدرت نرم، چهره ای نرم افزارانه و جذاب دارد در مقابل رفتار تحکم آمیز و سخت افزارانه قدرت سخت. به گفته نای: «قدرت نرم عبارت است از تان اثرگذاری بر دیگران از طریق اهرم های تعیین چارچوبی مشخص برای برنامه کار، ایجاد رغبت و جاذبه مثبت در راستای کسب نتایج دلخواه» (نای، ۱۳۹۲: ۴۷). هنگامی که سیاست های ما در چشم دیگران مشروع جلوه کند، قدرت نرم ما افزایش می یابد (موسوی، ۱۳۹۹: ۲۸۵). به عبارت دیگر، قدرت نرم بر استفاده نرم از قدرت و منابع آن تأکید دارد تا بتواند جذابیت، اقتناع و پذیرش یک بازیگر یا رفتار را توسط سایرین افزایش دهد. اگر بازیگری (کشوری) برای رفاه، آسایش و رضایت اجتماعی، اقتصادی و ... اتباع خویش از منابع متعدد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی قدرت به نحو مطلوب استفاده کند، نه تنها در داخل، بلکه در خارج از کشور نیز مورد پذیرش سایرین قرار خواهد گرفت. یا اگر کشوری در روابط خود با سایر کشورها، از منابع قدرت اش از یک رهیافت سنجیده، محتاط و عاقلانه استفاده د کند و نقش مهمی در تأمین کالاهای عمومی همگانی ایفا نماید، مسلماً احترام، دوستی و روابط متقابل مثبت کشورهای دیگر را به همراه خواهد داشت (صادقی، ۱۴۰۱: ۲۱۴).

از دیدگاه نای، منابع قدرت نرم هر کشوری تا حد زیادی ریشه در سه منبع بنیادین دارد: فرهنگ، ارزش های سیاسی و سیاست خارجی (نای، ۱۳۹۲: ۱۲۲). از نظر وی این سه عنصر در صورتی می توانند موجب افزایش قدرت نرم کشوری شوند که دارای ویژگی هایی خاص باشند. یعنی فرهنگ دارای جذابیت هایی باشد که برای سایر ملت ها و فرهنگ ای مختلف نیز جذاب و گیرا باشد. ارزش های سیاسی به گونه ای باشند که برای هر ملتی بامعنا، قابل اعتماد و ارزشمند باشند و هر ملت و حکومتی بر اجرای آن ها تأکید داشته باشد. در نهایت از دیدگاه نای، سیاست خارجی به آن شکلی مطلوب، جذاب و خالق قدرت نرم برای یک کشور خواهد بود که جامعه بین المللی آن را مشروع (مطابق قوانین مورد توافق جامعه بین المللی) دانسته و مرجعیت اخلاقی (مطابق با ارزش ها و هنجارهای پذیرفته شده بشری) آن را بپذیرد.

بنابراین موفقیت در کاربرد ابعاد نرم افزاری قدرت از سوی دولت‌ها با توجه به شرایط و ویژگی‌های فرهنگی، مذهبی، سیاسی و اجتماعی هر منطقه و کشور متفاوت می‌باشد و ابعاد و مصادیق آن مدام در حال تغییر و تحول است. تحول در مصادیق و شاخص‌های آن در راستای توجه به موضوعات جدید در مدیریت سیاسی فضای ملی و بین‌المللی است که عمده‌تاً ذیل مباحث شاخص‌های سنجش عملکرد مدیریت سیاسی و حکمرانی مطلوب قرار می‌گیرد. از جمله این شاخص‌ها که با توجه به دیدگاه‌ها و دسته‌بندی‌های مختلف در خصوص مؤلفه‌های قدرت نرم در منابع تکرار شده‌اند، می‌توان به ۲۸ مورد زیر اشاره کرد:

۱. تقویت هویت ملی، ۲. تأکید بر ارزش‌های ملی و مفاخر و میراث فرهنگی، ۳. تأکید بر حفظ زبان ملی و ترویج آن، ۴. افزایش روحیه ملی و تقویت حس اعتماد ملی، ۵. توسعه جامعه مدنی، ۶. ایجاد جذابیت‌های فرهنگی و خلق آثار مختلف هنری، علمی و تمدنی، ۷. ارتقای جایگاه و موفقیت‌های علمی و موقعیت دانشمندان، ۸. ایجاد گفت‌وگوهای متناسب با آداب و رسوم و سنت پیشینیان، ۹. تأکید بر باورها، ارزش‌ها، احساسات، اطلاعات و مهارت‌های سیاسی هویت‌ساز، ۱۰. ارائه مدل مناسب حکومت، اعدال‌گرایی سیاسی، ۱۱. توسعه مشارکت سیاسی، ۱۲. زمینه‌سازی برای تعامل میان جریان‌های فکری مختلف در جامعه، ۱۳. هنجارسازی اجتماعی، ۱۴. ماندگاری و ایستایی حکومت، ۱۵. کسب اعتبار بین‌المللی و افزایش آن، ۱۶. توانایی و اقتدار لازم در حل بحران‌های جهانی و منطقه‌ای، ۱۷. کسب پرستیژ و مقبولیت سیاسی و افزایش آن، ۱۸. ارائه تصویر مثبت و مطلوب از حکومت، ۱۸. طراحی و اتخاذ سیاست‌های استراتژیک مطلوب، ۱۹. قدرت شکل‌دهی و کنترل افکار عمومی، ۲۰. برخورد مناسب و اتخاذ مواضع مقبول در برخورد با بحران‌های داخلی و خارجی، ۲۱. دست‌یابی به فناوری‌های حساس، ۲۲. ساخت و تبدیل کالاهای استراتژیک در حوزه‌های نظامی، زیست‌محیطی و اقتصادی، ۲۲. افزایش سرمایه اجتماعی، ۲۳. نظام اداری قوی و سالم، ۲۴. توسعه سازمان‌های غیردولتی مؤثر، ۲۵. وجود قوانین تضمینی برای صیانت از حقوق مدنی و شهروندی، ۲۶. پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، ۲۷. وجود صدهای اعتراضی و نقاد حکومت، ۲۸. تقویت اعتماد ملی میان حکومت و ملت، ۲۷. شفافیت و ...

۶-۶- نظریه‌های مدیریت

نظریه‌های مدیریت نیز خالی از تعریف و ظایف کارکردی حکومت نیست. در این حوزه ۵ دیدگاه مشهور مطالعه شد که ماحصل آن ۳۱ شاخص برای سنجش عملکرد حکومت در حیطه

قدرت نرم است. نظریه‌های پنج‌گانه‌ای که در این بخش مطالعه شد شامل، ۱) عرصه‌های کلان وظایف حکومت (پورعزت، ۱۳۸۷: ۲۵ و ۴۰۴ و ۴۰۵)؛ ۲) اداره دولتی نوین از فردریکسون ۱ (همان: ۱۱۰-۱۰۶)؛ ۳) نظریه حکومت کارآفرین و بازآفرینی شده از ازبورن و گیبلر (همان: ۲۸۰-۲۷۶)؛ ۴) حکمرانی خوب ۲ (استوو، ۱۹۹۲: ۱۳۹ و هبیتت، ۲۰۰۴: ۵)؛ ایمانی جاجرمی و دیگران، ۱۳۸۱: ۹؛ کایر، ۱۳۸۶: ۳؛ شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲: ۹۳) و ۵) نظریه‌های نوین علم مدیریت (آکسفورد، ۲۰۰۹؛ لوتان، ۱۹۶۹: ۴۴۹؛ هیوز، ۱۳۷۷: ۸۸-۸۷) است. مهم‌ترین شاخص‌هایی که در منابع مدیریت تکرار شده شامل، قانون مداری، بهبود کلی وضعیت زندگی عامه و تأمین رفاه، تأمین امنیت عمومی و ثبات سیاسی، نظام اداری پاسخ‌گو، نیروی انسانی کارآمد و حمایت از بخش خصوصی و جامعه مدنی است. نتایج کلی شاخص‌ها به شرح زیر است:

۱. بهبود کلی وضعیت زندگی عامه و تأمین رفاه، ۲. تأمین امنیت عمومی و ثبات سیاسی، ۳. افزایش آگاهی عامه برای مشارکت اجتماعی، ۴. مشروعیت حاکمیت، ۵. تعمیق و تحکیم هویت فرهنگی، ۶. توسعه پایدار، ۷. نظم‌دهی جریان‌های اقتصادی، ۸. انتقال سالم قدرت به نمایندگان واقعی مردم، ۹. کنترل جریان‌های سیاسی جامعه، ۱۰. حفظ و حراست از فرهنگ ملی و تجلی آن در رشد زبان، تحول آداب و سنت‌ها و اصلاح روش‌های خردمندانانه زندگی، ۱۱. برابری اجتماعی و نظام قضایی قابل اعتماد، ۱۲. نظام اداری پاسخ‌گو، ۱۳. توجه به دانش، ۱۴. اخلاق محوری، ۱۵. تسهیل‌گری، ۱۶. رقابت‌جویی، ۱۷. نتیجه‌مداری، ۱۸. بازار مداری و تجارت‌پیشگی، ۱۹. تمرکززدایی، ۲۰. ارائه خدمات عمومی، ۲۱. قانون مداری، ۲۲. درآمدزایی، ۲۳. پیش‌بینی کننده آینده، ۲۴. نیروی انسانی کارآمد، ۲۵. حمایت از بخش خصوصی و جامعه مدنی، ۲۶. کاهش فقر، ۲۷. ایجاد شغل، ۲۸. حفظ محیط‌زیست، ۲۹. توسعه زنان، ۳۰. مهار فساد، ۳۱. احترام به نظر اقلیت‌ها.

بحث و نتیجه‌گیری

جهت تبدیل قدرت نرم به یک قدرت واقعی و ملموس، منابع آن باید به رفتار تبدیل شوند. گاهی اوقات حکومت‌ها از منابع قدرت بسیار برخوردارند، اما با آن‌ها نمی‌توانند به نتایج دلخواه برسند. علت آن است که نتوانسته‌اند آن منابع را به رفتار تبدیل کنند. اگر رفتار حکومت‌ها را، همان

۱. Frederickson
۲. Good Governance

اعمال نرم افزارانه منابع قدرت جهت مدیریت سیاسی فضای جغرافیایی تحت حاکمیت خود بدانیم، در این پژوهش تلاش شده است شاخص‌های سنجش این اعمال قدرت بر مدیریت سیاسی فضا شناسایی شوند. بر اساس منابع و داده‌های کتابخانه‌ای، ۸۰ شاخص مهم به عنوان شاخص‌های سنجش عملکرد قدرت نرم حکومت در مدیریت سیاسی فضای ملی شناسایی شد که در نظریات مختلف علمی بر آن‌ها تأکید شده است. سپس، شاخص‌های هشتادگانه در شش مؤلفه اصلی و به شرح زیر قرار داده شدند:

الف) اصول پایداری و بقای کشور و استقلال سیاسی: (۱) حفاظت از مرزها، (۲) حفظ نظم داخلی و امنیت عمومی، (۳) حفاظت از زبان ملی، (۴) پاسداری از تمامیت ارضی، (۵) حفظ استقلال کشور، (۶) حفظ حکومت، (۷) پاسداری از ارزش‌ها، (۸) حراست و دفاع از کشور در برابر تهاجم خارجی، (۹) تعمیق و تحکیم هویت ملی، (۱۰) افزایش یکپارچگی ملی و همبستگی میان آحاد ملت و (۱۱) ماندگاری کشور.

ب) اصول ژئوپلیتیکی: (۱) توسعه روابط خارجی، (۲) افزایش قدرت ملی، (۳) حفاظت از علایق ژئوپلیتیکی و منافع ملی، پرستیژ و حقوق ملت در ماورای مرزها، (۴) بهره‌گیری از موقعیت کشور در توسعه مناسبات بین‌المللی.

ج) اصول شهروندی: (۱) زنان، (۲) احترام به اقلیت‌ها، (۳) اخلاق مداری و توسعه آن، (۴) تأمین خیر عمومی، (۵) بالندگی تمدن بشر، (۵) حفظ نهاد خانواده، (۷) مشارکت و توسعه سیاسی، (۸) احترام به مالکیت، (۹) تأمین نیازهای مادی و معنوی ملت، (۱۰) انسان محوری، (۱۱) تنظیم حقوق شهروندی، (۱۲) نهادهای عام‌المنفعه و حمایت از افراد ناتوان و (۱۳) حفظ و پیشبرد منافع یکایک شهروندان.

د) اصول مدیریت سیاسی کشور: (۱) عدالت اجتماعی، (۲) مهار فساد، (۳) قانون‌مداری، (۴) جمع‌آوری مالیات، (۵) بهره‌گیری از دانش، فناوری و تجربه، (۶) تمرکززدایی و کاستن از وظایف دولت، (۷) تدوین استراتژی و برنامه‌ریزی، (۸) ایجاد و تقویت نظام اداری پاسخ‌گو، (۹) نظام قضایی قابل اعتماد، (۱۰) نظارت عالی بر کلیه امور کشور، (۱۱) شناخت دقیق مسایل کشور، (۱۲) توان پیشی‌بینی بالا و آینده‌نگری، (۱۳) توان بسیج منابع، (۱۴) نتیجه‌مداری، (۱۵) بازارمداری و تجارت‌پیشگی، (۱۶) هوشمندی و خلاقیت، (۱۷) تفکر دقیق، (۱۸) اندیشه‌سیاسی و مقبولیت‌بخشی به حاکمیت سیاسی، (۱۹) تأمین امنیت اقتصادی، (۲۰) مدیریت امور عمومی کشور، (۲۱) نظام ثبت و نگهداری برای تکمیل دیگر کارکردها، (۲۲) انتشار اطلاعات، (۲۳) ساختارسازی منطقی حکومت

نظریه‌های مدیریت	نظریه قدرت نرم جوزف نای	نظریه‌های علوم سیاسی	نظریه‌های جامعه‌شناسی	نظریه‌های توسعه	نظریه‌های جغرافیای سیاسی	شاخص‌های مدیریت سیاسی فضا برای سنجش عملکرد حکومت	طیف اهمیت	ردیف
۳		۵	۴	۶	۶	حفظ نظم داخلی و امنیت عمومی	پراهمیت	۱
۳	۱	۴	۱	۵	۴	ایجاد رفاه عمومی	پراهمیت	۲
۱	۱		۹	۵	۵	حفظ محیط‌زیست	پراهمیت	۳
۱	۱		۲	۸	۴	بالندگی فرهنگ عمومی	پراهمیت	۴
	۱		۸	۳	۳	رشد اقتصادی	پراهمیت	۵
۲	۱		۲	۴	۲	عدالت اجتماعی	پراهمیت	۶
۱		۱	۶	۲	۲	توان بسیج منابع	پراهمیت	۷
۲	۱		۶	۲	۲	توسعه پایدار	پراهمیت	۸
۴		۲	۳	۳	۳	قانون مداری	پراهمیت	۹
۳			۱	۴	۱	تربیت نیروی انسانی کارآمد	پراهمیت	۱۰
		۲		۶	۶	توسعه روابط خارجی	پراهمیت	۱۱
۲	۱	۱	۱	۴	۴	مشارکت و توسعه سیاسی	پراهمیت	۱۲
		۱		۷	۷	مدیریت امور عمومی کشور	پراهمیت	۱۳
۱			۵	۱	۱	زنان	پراهمیت	۱۴
			۱	۶	۶	حفاظت از مرزها	پراهمیت	۱۵
		۲	۱	۴	۴	توسعه حمل و نقل و شبکه ارتباطات	پراهمیت	۱۶
۲		۳		۲	۲	تأمین کار متناسب با علاقه‌مندی جامعه و حمایت از بیکاران	پراهمیت	۱۷
		۳		۴	۴	افزایش قدرت ملی	پراهمیت	۱۸

ردیف	طیف اهمیت	شاخص‌های مدیریت سیاسی فضا برای سنجش عملکرد حکومت	نظریه‌های جغرافیای سیاسی	نظریه‌های توسعه	نظریه‌های جامعه‌شناسی	نظریه‌های علوم سیاسی	نظریه قدرت نرم جوزف نای	نظریه‌های مدیریت
۱۹	پراهمیت	نظام قضایی قابل اعتماد	۲					۲
۲۰	پراهمیت	افزایش یکپارچگی ملی و همبستگی میان آحاد ملت	۳				۱	
۲۱	اهمیت بالا	بهره‌برداری مطلوب از منابع زیرزمینی و روزمینی	۴		۲			
۲۲	اهمیت بالا	کسب اقتدار و مشروعیت سیاسی			۱		۱	۲
۲۳	اهمیت بالا	توسعه بهداشت		۲	۱			۳
۲۴	اهمیت بالا	ماندگاری کشور		۶			۱	
۲۵	اهمیت بالا	بهره‌گیری از دانش، فناوری و تجربه		۲			۱	۲
۲۶	اهمیت بالا	پاسداری از تمامیت ارضی		۵				
۲۷	اهمیت بالا	حفظ حکومت		۵				
۲۸	اهمیت بالا	تأمین نیازهای مادی و معنوی ملت		۴				
۲۹	اهمیت بالا	تعمیق و تحکیم هویت ملی		۲				
۳۰	اهمیت بالا	حفظ استقلال کشور		۵				۱
۳۱	اهمیت بالا	انسان محوری		۵				
۳۲	مهم	حراست و دفاع از کشور در برابر تهاجم خارجی						
۳۳	مهم	تأمین خیر عمومی		۱				
۳۴	مهم	حمایت از بخش خصوصی			۳			۱
۳۵	مهم	حفظ و پیشبرد منافع یکایک شهروندان						۱
۳۶	مهم	مهار فساد		۳				
۳۷	مهم	کاهش فقر						۱
۳۸	مهم	ایجاد و تقویت نظام اداری پاسخ‌گو						۱
۳۹	مهم	توسعه مداوم کشور با توجه به		۶				۲

ردیف	اهمیت	شخص‌های مدیریت سیاسی فضا برای سنجش عملکرد حکومت	نظریه‌های جغرافیای سیاسی	نظریه‌های توسعه	نظریه‌های جامعه‌شناسی	نظریه‌های علوم سیاسی	نظریه قدرت نرم جوزف نای	نظریه‌های مدیریت
۴۰	مهم	فضای رقابت جهانی	۲				۱	۱
۴۱	مهم	تعامل و کنترل جریان‌های سیاسی جامعه	۲			۱		
۴۲	مهم	تظیم حقوق شهروندی	۲					
۴۳	مهم	ایجاد تعادل فضایی در مناطق مختلف کشور و تأمین عدالت جغرافیایی	۲	۱				
۴۴	مهم	پاسداری از ارزش‌ها	۲	۱			۱	
۴۵	مهم	ساختار سازی منطقی حکومت مرکزی	۳				۱	
۴۶	مهم	مدیریت سیاسی واحدهای تقسیمات کشوری	۳					
۴۷	مهم	نظارت عالی بر کلیه امور کشور	۱				۱	
۴۸	مهم	سازماندهی و آمایش سیاسی فضای جغرافیایی کشور	۲				۱	
۴۹	مهم	تمرکززدایی و کاستن از وظایف دولت	۱				۲	
۵۰	مهم	اخلاق مداری و توسعه آن	۲				۱	
۵۱	مهم	گسترش آموزش و پرورش	۱			۲		
۵۲	مهم	جمع‌آوری مالیات	۱			۲		
۵۳	مهم	تولید و افزایش ثروت ملی	۱	۱			۱	
۵۴	مهم	هوشمندی و خلاقیت	۳				۱	
۵۵	مهم	تفکر دقیق	۳				۱	
۵۶	میان	شناخت دقیق مسایل کشور	۲					
۵۷	میان	اندیشه‌سیاسی و مقبولیت‌بخشی به حاکمیت سیاسی	۱				۱	
۵۸	میان	احترام به مالکیت	۱				۱	
۵۹	میان	تدوین استراتژی و برنامه‌ریزی	۱	۱			۲	۱

نظریه‌های مدیریت	نظریه قدرت نرم جوزف نای	نظریه‌های علوم سیاسی	نظریه‌های جامعه‌شناسی	نظریه‌های توسعه	نظریه‌های جغرافیای سیاسی	شاخص‌های مدیریت سیاسی فضا برای سنجش عملکرد حکومت	طیف اهمیت	ردیف
		۲				تأمین امنیت اقتصادی از راه تنظیم فعالیت‌ها	اهمیت میانه	۵۹
	۱	۱			۱	بالندگی تمدن بشر	اهمیت میانه	۶۰
۱	۱				۱	حفاظت از زبان ملی	اهمیت میانه	۶۱
	۱	۱			۱	حفظ نهاد خانواده	اهمیت میانه	۶۲
	۱				۱	ساخت چشم‌اندازهای مطلوب اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی	اهمیت میانه	۶۳
					۱	نهادهای عام‌المنفعه و حمایت از افراد ناتوان	اهمیت میانه	۶۴
۱					۱	احترام به اقلیت‌ها	اهمیت میانه	۶۵
					۲	حفاظت از علایق ژئوپلیتیکی و منافع ملی، پرستیژ و حقوق ملت در ملورای مرزها	اهمیت میانه	۶۶
۲						نتیجه‌مداری	اهمیت میانه	۶۷
۱		۱				ارائه خدمات عمومی	اهمیت میانه	۶۸
۱		۱				بازار مداری و تجارت‌پیشگی	اهمیت میانه	۶۹
		۱				کنترل آلودگی	اهمیت کم	۷۰
		۱				ملی و قانونی کردن تعدادی از صنایع کلیدی	اهمیت کم	۷۱
		۱				نظام ثبت و نگهداری برای تکمیل دیگر کارکردها	اهمیت کم	۷۲
		۱				بازسازی مراکز	اهمیت کم	۷۳
		۱				انتشار اطلاعات	اهمیت کم	۷۴
		۱				بیمه	اهمیت کم	۷۵
		۱				خدمات بانکی	اهمیت کم	۷۶

ردیف	تایف اهمیت	شاخص‌های مدیریت سیاسی فضا برای سنجش عملکرد حکومت	نظریه‌های جغرافیای سیاسی	نظریه‌های توسعه	نظریه‌های جامعه‌شناسی	نظریه‌های علوم سیاسی	نظریه‌های مدیریت	نظریه قدرت نرم جوزف نای
۷۷	اهمیت کم	توان پیشی‌بینی بالا و آینده‌نگری					۱	
۷۸	اهمیت کم	تسهیل‌گری					۱	
۷۹	اهمیت کم	تولید مسکن مطلوب		۱				
۸۰	اهمیت کم	بهره‌گیری از موقعیت کشور در توسعه مناسبات بین‌المللی	۱					

براساس جدول بالا، از میان ۳۱ شاخصی که طبق نظریات مختلف، بیشترین اهمیت را در سنجش عملکرد قدرت نرم در مدیریت سیاسی فضا دارا هستند و در ردیف شاخص‌های پراهمیت و دارای اهمیت بالا در جدول شاخص‌ها قرار گرفته‌اند، ۱۲ مورد آن شامل شاخص‌های مورد تأکید قدرت نرم در دیدگاه‌های مختلف بوده است. یعنی چیزی حدود نیمی از مهمترین و پرتکرارترین شاخص‌های سنجش قدرت نرم مورد تأکید صاحب نظران در آثار مختلف. این نکته از یک سو، نشان دهنده نقش کلیدی و تأثیرگذار قدرت نرم و شاخصه‌های آن در مدیریت کارآمد و اثربخش یک کشور است و از سوی دیگر بیان‌کننده اهمیت شاخص‌سازی، سنجش، ارزیابی و پایش عملکردی در سطح کلان سیاسی-اداری حکومت‌هاست. به گونه‌ای که بی توجهی یا کم توجهی به هر یک از این شاخص‌ها و نحوه اثرگذاری آن‌ها در تعیین استراتژی‌ها و خط مشی‌های کلی یک سیستم سیاسی، می‌تواند موجب ایجاد نارضایتی عمومی، ضعف سیستمی و سازمان یافته و در نهایت بروز ناکارآمدی در کل سیستم حاکمیتی شود. از این دیدگاه، شاخص‌های قدرت نرم قبل از آنکه خالق مقبولیت و مشروعیت در سیاست خارجی باشند، تعیین‌کننده مشروعیت و کارآمدی سیاسی و همبستگی ملی در داخل مرزهای یک کشور هستند و از این روست که در مبحث مدیریت سیاسی فضا و جغرافیای سیاسی بسیار حایز اهمیت می‌باشند.

در نهایت می‌توان گفت: توجه به بکارگیری کارویژه‌های قدرت نرم در یک حکومت به عنوان مهم‌ترین سازمان سیاسی و اجتماعی نقش مهمی در اعمال قدرت سیاسی-اداری آن دارد.

کارایی و اثربخشی بالای حکومت‌ها نیز به بقای آن‌ها و حفظ ثبات کمک می‌کند. سنجش موفقیت عملکرد حکومت‌ها در بکارگیری قدرت نرم خود در مدیریت سیاسی فضا، قطعاً نیاز به طراحی یک الگوی علمی دارد. این الگو بر اساس شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های عملکردی حکومت قابل طراحی خواهد بود. از این رو، شاخص‌ها از میان نظریه‌ها و دیدگاه‌های متعدد در رشته‌های مختلف علوم انسانی شناسایی شدند. دیدگاه‌ها و نظریات نشان داد، اهداف و وظایف حکومت انواع گوناگونی دارد. تعداد این شاخص‌های شناسایی شده ۸۰ مورد بود که برخی از آن‌ها با تکرار و تأکید بالا بودند. همه ۸۰ شاخص نیز در ۷ مؤلفه اصلی قرار داده شدند که در مدل نهایی شده زیر نمایش داده شده‌اند.



منابع

- آقامهدوی، اصغر و نادری باب اناری، مهدی (۱۳۹۰). «کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار؛ رویکردی قرآنی»، فصلنامه دانش سیاسی، سال هفتم، شماره ۱۴.
- ابوالفتحی، محمد و نوری، مختار (۱۳۹۲). «تأثیر سرمایه اجتماعی بر افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۶.
- ایمانی جاجرمی، حسین و فیروزآبادی، سیداحمد (۱۳۸۶). «بررسی مدل‌های سنجش عملکرد مدیریت محلی: با تأکید بر سازمان‌های مدیریت شهری و روستایی در ایران»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۲.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۷). نظریه‌های دولت، تهران: نشر نی.
- بورلاتسکی، فیودر (۱۳۶۰). قدرت سیاسی و ماشین دولتی، ترجمه احمد رهسپر، تهران: آموزگار.
- پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۷). مبانی دانش اداره دولت و حکومت، تهران: سمت.
- تولایی، روح‌الله (۱۳۸۶). «رویکردهای نوین به ارزیابی عملکرد سازمان‌ها»، دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال چهارم، شماره ۱۲.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۱). «تبیین فلسفی ساختارسازی حکومت‌ها مبتنی بر جغرافیای سیاسی (با تأکید بر ایران)»، همایش ملی جغرافیای سیاسی کاربردی، مهرماه، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ رومینا، ابراهیم؛ احمدی‌پور، زهرا و فانی، علی اصغر (۱۳۹۲). «مدیریت سیاسی فضا در سیستم‌های بسیط متمرکز»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۹، شماره ۱.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۳). «رویکردی جدید به تاریخ پیدایش و بنیانگذار جغرافیای سیاسی در جهان»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۱۰، شماره ۱.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و احمدی کرچ، سید عباس (۱۳۹۶). آرا و نظریه‌های علمی دکتر محمدرضا حافظ‌نیا، مشهد: نشر پاپلی.
- رفیعی قهسازه، ابوذر (۱۳۹۷). «الگوها و شاخص‌های سنجش و ارزیابی کارایی قدرت نرم کشورها»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال هشتم، شماره ۱۹، پاییز و زمستان.
- رازینی، روح‌الله؛ آذر، عادل و محمدی، مهدی (۱۳۹۲). «ارائه مدل سنجش عملکرد سازمان‌های چابک: رویکرد مدل سازی ساختاری تفسیری»، مجله چشم انداز مدیریت صنعتی، شماره ۱۲، زمستان.

- رهنورد، فرج‌الله (۱۳۸۷). «عوامل موثر بر ارتقای عملکرد سازمان‌های بخش دولتی ایران»، پژوهشنامه مدیریت، سال هشتم، شماره ۳۱، زمستان.
- دانایی فرد، حسن (۱۴۰۰). «کشورداری به سبک منفعلانه: هزینه فرصتی که پنهان می ماند»، فصلنامه مطالعات مدیریت دولتی ایران، سال سوم، شماره ۹، پاییز، یادداشت تحریریه.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۰). «عقلانیت و توسعه‌یافتگی ایران»، تهران: فرزانه روز.
- صادقی، علی (۱۴۰۱). «واکاوی ابعاد و مولفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در اسناد بالادستی»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال دوازدهم، شماره ۱، بهار.
- عالم، عبدالرحمان (۱۳۸۶). بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
- کاوندی‌کاتب، ابوالفضل؛ حافظ‌نیا، محمدرضا؛ غلامحسین‌زاده، غلامحسین و قادری، حاتم (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی شاخص‌های مدیریت سیاسی فضای سطح ملی (کشور) در نظریه‌های مختلف»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال دوم، شماره ۷.
- کاوندی‌کاتب، ابوالفضل (۱۳۹۷). «مدیریت سیاسی فضا در اندرزنانه‌های سیاسی ایران»، رساله دکتری، به راهنمایی دکتر محمدرضا حافظ‌نیا، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- کتابی، امیرعلی، شفیعی فر، محمد و سلیمانی، غلامعلی (۱۴۰۰). «میزان تحقق مؤلفه عدالت اجتماعی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران براساس الگوهای توسعه دولت‌ها»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال یازدهم، شماره ۲، تابستان.
- کوئن، بروس (۱۳۸۱). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
- کوهن، سائول برنارد (۱۳۸۷). نظام ژئوپلیتیک جهانی، ترجمه عباس کاردان، تهران: ابرار معاصر.
- قربی، سید محمد جواد و جعفری، علی اکبر (۱۳۹۵). «منابع قدرت نرم در سیاست‌های کلی نظام؛ موردکاوی سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال پنجم، شماره ۱۹.
- موسوی، سید صدرالدین (۱۳۹۹). «قدرت هوشمند در اندیشه سیاسی امام خمینی: کاربست نظریه قدرت نرم جوزف نای»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره ۱، بهار و تابستان.
- میرحیدر، دره؛ راستی، عمران و میراحمدی، فاطمه سادات (۱۳۹۴). مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: سمت.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۹). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: سمت.

نوابخش، مهرداد و بذرافشان، محمد (۱۳۹۳). «بررسی میزان سنجش توسعه پایدار شهری در شهر شیراز در ۱۰ سال اخیر»، مطالعه توسعه اجتماعی ایران، سال ششم، شماره سوم.
 هاگت، پیتتر (۱۳۷۵). «جغرافیا ترکیبی نو»، جلد دوم، ترجمه شاپور گودرزی نژاد، تهران: سمت.
 هیوز، آون (۱۳۷۷). «مدیریت دولتی نوین»، ترجمه سیدمهدی الوانی، سهراب خلیلی شورینی، غلامرضا معمارزاده، تهران: مروارید.

Glassner, Martin & Chuck Fahrer, (2004), Political Geography, New York, John Wiley & sons.

Gottmann, Jean, (1952), La Politique des États et leur géographie, Paris, A. Colin

<https://www.merriam-webster.com/dictionary/statecraft>

<https://www.vocabulary.com/dictionary/statecraft>

<https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/statecraft>

<https://www.dictionary.com/browse/statecraft>

<https://www.definitions.net/definition/statecraft> Neely, A, Adams, C and Crowe, P (2002). The performance prism in practice, Measuring Business Excellence. 5. 6-13.

Jacobsen G. A and Lipman M. H (1968), Political Science, New York: Barnes and Nobel ING.

Johnson, Richard and others (1979), the theory and mangement of systems, New York.

Laver, Michel (1983), Politics, Oxford: Martin Robertson Company Ltd.

Lipson, Leslie (1985), the great issues of politics, New Jersey: Prentice-Hall INC.

Luthans, Fred (1987), Organization Behavior, New York: McGraw Hill.

Muscara, Luca, (1994); "Being and Space".Sistema Terra, III, 1, Laterza, Rome.

Nye, Joseph (2004). Soft Power: The Means to Success in World Politics. New York. Public Affairs.

Neely, A, Adams, C and Crowe, P (2002). The performance prism in practice, Measuring Business Excellence. 5. 6-13.

Neely, A., Gregory, M., & Platts, K. (2005). Performance measurement system design: A literature review and research agenda. International Journal of Operations and Production Management, 25(12), 1228–1263.

Oxford Dictionary (2009).

Pearce, D. Barbier, E. & Markandya, A. 1990. Sustainable development, economics and environment in the Third World. Aldershot: Edward Elgar.

- Schermerhorn, John R (1996), Management, New York: John Wiley & Sons.
- Staffelebeam, D. and Shenkfield A. L. (1985). Systematic Evaluation, A self-Instructional guide to theory and practice, Kluwer: Nijhoff Pub.
- Tansey, Stephen d. (2004), Politics, London and New York: Routledge.
- UN-HABITAT (2002), Global campaign on urban Governance: concept paper, 2nd Editon, Nairobi.
- UNESCO. 1996. A Creative Diversity, Report of the World Commission on Culture and Development, Paris: UNESCO Publication.
- <https://www.alef.ir/news/3970826216.html?show=text>
- <http://hafeznia.ir>

